



نشر ما بنیه پذیرش کپی‌رایت را ندارد



عبدالرحیم قنوات*

استثنایی — تحت تأثیر رسانه‌های عمومی به گونه‌ای شده‌اند که همه چیز را سریع و بسته‌بندی شده می‌خواهند. بنابراین، این موضوع تنها در عرصه کتاب نیست و در عرصه‌های دیگر هم مشاهده می‌شود؛ مثلاً اطلاعیه رسمی می‌زنند که پایان نامه می‌نویسیم!

البته این موضوع در مقالات نیز بسیار دیده می‌شود. به عقیده شما برای جلوگیری از این آسیب در حوزه مقالات، چه باید کرد؟

مدتی پیش یکی از استادان مقاله‌ای برای ارزیابی آورد و به ما داد و دست بر قضا مقاله به دست کسی افتاد که مدیر مجله دیگری بود و پس از پیگیری‌ها مشخص شد همین مؤلف مقاله را با عنوان دیگری چاپ کرده، ولی حالا با عوض کردن چکیده و عنوان مقاله تصمیم دارد دوباره آن را با عنوان دیگری چاپ کند. متأسفانه این موضوع رواج پیدا کرده و دامنه آن روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شود.

به عقیده شما در این موارد، نقد بهتر از برخورد قانونی نیست؟

بعضی آثار قابل نقد نیست، چون تماماً سرقت است. چنین کتابی را چگونه می‌توان نقد کرد؟ فقط کتابی را می‌توان نقد کرد که حاصل فکر مؤلف باشد. زمانی که اثری را، از این طرف و آن طرف، کتاب کرده باشند چه چیزی را می‌توان نقد کرد؟! البته یک جنبه، قانون است و جنبه اخلاقی که باید آن جنبه تقویت شود. یک بخش هم به سطح فرهنگ، فرهنگ عمومی، فرهنگ کتاب و مطالعه و مسائل علمی برمی‌گردد. این معضل پدیده‌ای مجزا نیست؛ یعنی این گونه نیست که در

عوامل شیوع و افزایش آنچه امروز به عنوان کتاب‌سازی فرهنگ ما را مورد تهدید قرار داده، چیست؟

کتاب‌سازی مربوط به دوره کنونی نیست و سابقه دارد و اگر در تاریخ کتابت و تألیف به گذشته برگردید، همواره این معضل وجود داشته است. در مواردی صرفاً کسی کتاب شخص دیگر را تلخیص کرده یا بخش‌هایی از کتاب را بدون ارجاع دادن برداشته است. حتی در دوره‌هایی عمل مذمومی تلقی نمی‌شده و برای همین از قدیم ما کتاب‌هایی داریم که بخش مهمی از کتاب در کتاب دیگر تلخیص شده، بدون این که اتفاق مهمی افتاده باشد. یعنی منبع اثر بنا نبوده است ذکر شود یا گاهی ذکر می‌شده است. اما در این دوران متأسفانه نشر و کتاب وضعیت خوبی ندارد. آمار و ارقام همه نشان می‌دهد وضعیت کتابخوانی در میان ما خیلی جالب نیست. نکته دیگر این که ما از قوانین جهانی پیروی نمی‌کنیم و تابع آنها نیستیم و اگر قوانینی مانند کپی‌رایت رعایت می‌شد، یک مقدار قضا یا محدود می‌کرد. عملاً قوانین جدی برای برخورد با کتاب‌سازی وجود ندارد؛ یعنی اگر فردی کتاب دیگری را به نام خود چاپ کند، قانون محکمی وجود ندارد که جلوی آن را بگیرد.

به عقیده شما اگر با افراد برخورد قانونی شود به این معنی نیست که اعتبار علمی آنان در نظر گرفته نشده است؟ آیا وضع قوانین می‌تواند در این زمینه مؤثر و بازدارنده باشد؟ به عقیده من در چند مورد باید برخورد قانونی شود و حق و حقوق مؤلف در نظر گرفته شود. نکته دیگر به وضعیت عمومی بازار نشر بر می‌گردد. متأسفانه ذائقه خوانندگان هم آسان‌پسند شده است. دانشجویان و اهل کتاب هم — به جز موارد

* عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد



فرهنگ و جاهای دیگر اتفاقات مشابه صورت نگیرد و تنها در کتاب صورت بگیرد. این موضوع عمومی شده است و نمود آن را به صورت علنی در بازار کتاب می‌توان دید.

مدرک‌گرایی در نظام آموزشی ما بیداد می‌کند. به عقیده شما این روحیه کمیت‌گرایی در نظام آموزش عالی تا چه اندازه به موضوع کتاب‌سازی، مقاله‌سازی و پایان‌نامه‌سازی دامن زده است؟

نظام آموزش عالی ما بیشتر گسترش کمی پیدا کرده است. طبیعتاً وقتی چیزی گسترده شود، ممکن است آسیب‌هایی به آن وارد شود؛ ولی نظام آموزشی رسماً چنین چیزی یعنی کتاب‌سازی را ترویج نکرده و اگر مطلع شود جلوی آن را می‌گیرد. به هر حال وقتی تعداد دانشجویان زیاد شد دیگر نمی‌توان خیلی چیزها را کنترل کرد. طبیعتاً باید راهی باز شود که بتوان جلوی کسی را که اهل خلاف است، گرفت.

رواج پایان‌نامه‌سازی کمتر از کتاب‌سازی نیست. برای

جلوگیری از این موضوع چه توصیه می‌کنید؟

یکی از دلایلش این است که استانداردها رعایت نمی‌شود. وقتی تعداد دانشجویان یک استاد از حدی بیشتر شد، او عملاً دیگر نمی‌تواند نظارت کند. در حوزه تصحیح هم خیلی راه باز کرده است. متأسفانه بعضی از ناشران کارهای دیگران را با ذکر عبارت «به اهتمام» به نام خود چاپ می‌کنند. در حالی که این اهتمام از حد نوشتن یک مقدمه ساده فراتر نمی‌رود.

اعمال قانون مالکیت معنوی پدیدآورندگان در این زمینه تا چه اندازه مؤثر است؟ آیا با پیاده کردن این قانون در بازار

نشر می‌توان با این آسیب فرهنگی مقابله کرد؟

کپی‌رایت جهانی با اقتصاد نشر ما سازگار نیست و بنیة نشر ما در حدی نیست که بتوانیم کپی‌رایت را بپذیریم؛ یعنی اگر بخواهیم رعایت کنیم، نشر متلاشی می‌شود و اگر هم رعایت نکنیم همین وضعیتی می‌شود که هم اکنون مشاهده می‌کنید.

■

تازه‌های میراث مکتوب

با توجه به نیاز بسیاری از رشته‌های علوم انسانی به پژوهش و بررسی نسخه‌های خطی، این کاستی همواره وجود داشته که متنی برای آموزش نسخه‌شناسی در دسترس پژوهشگران نهاده شود. مرکز پژوهشی میراث مکتوب با توجه به این نیاز، نگارش چنین اثری را از دیرباز در برنامه‌های خود داشته است و کتاب کنونی یکی از نوشته‌هایی است که در راه نیل بدان مقصود منتشر می‌شود. در کتاب کنونی گوشه‌ای شده است تا مباحث به صورت آسان و کاربردی به خواننده آموزش داده شود. همچنین تلاش شده که تا جای ممکن هر کدام از اجزای نسخه در هنگام معرفی از دیدگاه سبک‌شناسی تاریخی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

نسخه‌شناسی
(پژوهشنامه نسخه‌شناسی نسخ
خطی فارسی)
پژوهش و تألیف
علی صفری آق‌قلعه
مقدمه
ایرج افشار
چاپ اول: ۱۳۹۰
بها: ۱۹۰۰۰ تومان

